

## مسائل ودیعه (امانت)

از اموری که در کتاب و سنت نسبت به آن تأکید بسیاری شده «امانتداری» است. خداوند در سوره «مؤمنون» یکی از نشانه‌های مؤمنان را امانتداری و رعایت عهد و پیمان شمرده است: (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ)<sup>۱</sup> و در حدیث از حضرت امام صادق 7 نقل شده که فرمودند: «به طولانی بودن رکوع یا سجده کسی نگاه نکنید، زیرا این کاری است که به آن عادت کرده و اگر آن را ترک نماید دچار ترس و اضطراب می‌گردد، بلکه، برای شناسایی آن فرد، به راستگویی و امانتداری او نظر نمایید»<sup>۲</sup>.

**(مسئله ۱)** امانتدار و امانتگذار باید عاقل و بالغ باشند، پس اگر انسان مالی را نزد بچه یا دیوانه، امانت بگذارد یا بچه یا دیوانه، مالی را نزد کسی امانت بگذارد صحیح نیست.

**(مسئله ۲)** اگر امانتدار چیزی را از کودک یا دیوانه به طور امانت بگیرد باید آن را به صاحبش بدهد و اگر آن چیز مال خود بچه یا دیوانه باشد باید آن را به ولی او برساند و اگر امانت تلف شود ضامن عین یا قیمت آن خواهد بود، ولی اگر برای اینکه مال از بین نرود آن را از بچه یا دیوانه گرفته و در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

**(مسئله ۳)** کسی که نمی‌تواند امانت را نگهداری نماید بنا بر احتیاط واجب باید قبول نکند، ولی اگر توانایی صاحب مال در نگهداری آن کمتر باشد و کسی هم که بهتر حفظ کند نباشد این احتیاط واجب نیست.

**(مسئله ۴)** اگر انسان به صاحب مال بفهماند که برای نگهداری مال او حاضر نیست، چنانچه صاحب مال آن را با تمکن از نگهداری بگذارد و برود و این شخص هم مال را برنماید و تلف شود، کسی که امانت را قبول نکرده ضامن نیست، ولی بنا بر احتیاط مستحب در صورت امکان آن را نگهداری نماید. و اگر صاحب مال تمکن از حفظ آن ندارد یا اینکه غایب است و اطلاع از وضع مال ندارد و مال قابل توجهی در معرض تلف باشد، احتیاط واجب آن است که در صورت امکان آن را نگهداری نماید.

**(مسئله ۵)** هر کدام از امانتگذار و امانتدار هر گاه بخواهند می‌توانند عقد امانت را به هم بزنند. و اگر امانتدار منصرف شده و عقد امانت را به هم بزنند، در صورت امکان باید هر چه زودتر امانت را به صاحب آن یا وکیل و یا ولی او برساند و یا به آنان خبر دهد که حاضر به نگهداری نیست و اگر بدون عذر نرساند و خبر هم ندهد و امانت تلف شود ضامن است و باید عوض آن را بدهد.

**(مسئله ۶)** کسی که امانتی را پذیرفته و برای نگهداری آن جای مناسبی ندارد لازم است در تهیه جای مناسب تلاش کند و به گونه‌ای آن را نگهداری نماید که مردم

۱. مؤمنون ۲۳: ۸؛ یعنی: «مؤمنان کسانی هستند که امانتدار بوده و عهد و پیمان خود را رعایت می‌کنند».

۲. وسائل الشیعه، کتاب الودیعه، باب ۱ از ابواب «أحكام الودیعه»، حدیث ۳.

نگویند در امانت خیانت یا در حفظ آن کوتاهی کرده است و اگر در جایی که مناسب نیست بگذارد و تلف شود ضامن است.

**(مسئله ۷)** کسی که امانت را قبول می‌کند اگر در نگهداری آن کوتاهی نکند و زیاده‌روی هم ننماید و اتفاقاً آن امانت تلف شود ضامن نیست، ولی اگر به اختیار خودش آن را تلف کند یا در جایی بگذارد که امن و مناسب نیست و تلف شود باید عوض آن را به صاحبش بدهد، مگر اینکه جایی محفوظتر از آن نداشته باشد و نتواند امانت را به صاحبش یا به کسی که بهتر حفظ می‌کند برساند که در این صورت ضامن نمی‌باشد.

**(مسئله ۸)** اگر امانتدار می‌ترسد مال امانت نزد او از بین برود یا به سرقت برده شود، چنانچه می‌تواند باید امانت را به صاحب آن یا وکیل او رد نماید و چنانچه دسترسی به آنها ندارد باید آن را به حاکم شرع بدهد تا برای صاحبش حفظ نماید و اگر حاکم شرع نباشد یا دسترسی به او ندارد باید آن را نزد شخص امینی که قدرت حفظ آن را دارد به امانت بگذارد.

**(مسئله ۹)** اگر امانتگذار دیوانه شود یا بمیرد و دایعه باطل می‌شود و امانتدار باید فوراً امانت را به ولی دیوانه یا وارث میّت برگرداند یا به آنها خبر دهد و اگر بدون عذر شرعی آن را تحویل ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و امانت تلف شود ضامن است، اما اگر برای آنکه وارث یا وصی حقیقی را بشناسد و یا بفهمد که میّت وارث دیگری دارد یا نه، امانت را تحویل نداده و خبر هم ندهد، ولی در حفظ آن کوتاهی نکند و امانت تلف شود ضامن نیست.

**(مسئله ۱۰)** اگر امانتگذار بمیرد و چند وارث داشته باشد، امانتدار باید امانت را به همه ورثه بدهد یا به کسی بدهد که همه آنان گرفتن امانت را به او واگذار کرده‌اند و اگر وصی هم داشته باشد باید تا مقدار یک سوم به وصی هم مراجعه شود، پس اگر بدون اجازه دیگران همه امانت را به یکی از ورثه بدهد ضامن سهم دیگران می‌باشد.

**(مسئله ۱۱)** اگر امانتدار بمیرد یا دیوانه شود وارث میّت یا ولی دیوانه باید هر چه زودتر به امانتگذار اطلاع دهد و یا امانت را به او برساند.

**(مسئله ۱۲)** اگر امانتدار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند، چنانچه ممکن است باید امانت را به صاحب آن یا وکیل یا ولی او برساند و اگر ممکن نیست باید آن را به حاکم شرع بدهد و چنانچه به حاکم شرع دسترسی ندارد باید وصیت کند و شاهد بگیرد و به وصی و شاهد، جنس و خصوصیات امانت و محل و صاحب آن را بگوید، هر چند در صورتی که وارث او امین است و از امانت اطلاع دارد لازم نیست وصیت نماید.

**(مسئله ۱۳)** اگر امانتدار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند و به وظیفه‌ای که در مسئله پیش گفته شد عمل نکند، چنانچه آن امانت از بین برود بنا بر احتیاط واجب عوض آن را ضامن است، گرچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بیماری او خوب شود.

**(مسأله ۱۴)** مالی که رهن یا عاریه یا اجاره و یا به مضاربه گذاشته شده است در دست طرف معامله امانت بوده و باید در حفظ آن کوشا باشد.

**(مسأله ۱۵)** اگر مالی را سیل یا دزد ببرد و بعد به دست کسی بیفتد یا در اثر اشتباه در نقل و انتقال و یا اشتباه در معامله و نظایر آن به دست کسی بیفتد، آن فرد باید به طور امانت از آن نگهداری نماید و آن را به دست مالک یا وکیل او برساند و یا به آنها اطلاع دهد، همچنین است اگر کسی مال گمشده‌ای را پیدا کند و یا مالی که در معرض تلف و نابودی است به دست آورد.

**(مسأله ۱۶)** اگر کافر غیرحربی مال خود را نزد مسلمان به امانت بگذارد حفظ امانت و رد آن به صاحبش هنگام مطالبه واجب است و در صورتی که کافر حربی مال خود را نزد مسلمان به امانت بگذارد بنا بر احتیاط هنگام مطالبه آن را به صاحبش تحویل دهد.

**(مسأله ۱۷)** اگر کسی امانتداری خود را انکار نماید یا آن را قبول کند ولی مدعی تلف شدن امانت یا رد آن به صاحبش شود، چنانچه طرف بینه‌ای نداشته باشد ادعای او با قسم قبول خواهد شد، همچنین است در صورتی که دو طرف تلف شدن امانت را نزد امانتدار قبول دارند، ولی امانتگذار مدعی کوتاهی و یا تعدی امانتدار در مال امانت شود.